

ارزیابی وضعیت کنونی مردم‌شناسی در ایران

منیژه مقصودی

استادیار گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی

دانشگاه تهران

چکیده

بحث ما در اینجا مربوط به وضع کنونی مردم‌شناسی در ایران است، و نیز درباره اصطلاحهایی که در مردم‌شناسی به کار می‌رود. بر این عقیده‌ایم که هر یک از اصطلاحها و مفاهیم مردم‌شناسی تحت تأثیر گرایشهای فکری و محیط خاص فرهنگی شکل گرفته‌اند. تفاوت مردم‌شناسی و مردم‌نگاری، اشاره به روش تحقیق در مردم‌شناسی و جنبه کاربردی مردم‌شناسی، از جمله موضوعاتی است که درباره آنها بحث می‌کنیم. آنچه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی را از هم متمایز می‌کند، به روش این دو علم مربوط شود. چنین به نظر می‌رسد که در بحث از علوم تجربی و علوم اجتماعی، گذشته از مشکلات نظری، با مسائل عملی و تحقیقات کاربردی نیز روبه‌رو هستیم. شاید طرح موضوع مردم‌شناسی کاربردی بتواند برخی از مسائل و مشکلات مردم‌شناسی را از دیدگاه تئوری و عملی برطرف کند.

واژگان کلیدی: انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، محیط فرهنگی، مردم‌شناسی کاربردی، تغییر و تحول بنیانی، جامعه سنتی، جامعه مدرن.

مقدمه

در حال حاضر کوششهایی برای دستیابی به شیوه‌های بهتر آموزش و پژوهش در رشته مردم‌شناسی صورت می‌گیرد. دوره کارشناسی رشته مردم‌شناسی، پس از سالها وقفه، بار دیگر دایر شده است. امیدواریم که دوره دکترای این رشته نیز در آینده‌ای نه چندان دور، دایر شود. کوششهای دیگری نیز می‌شود که از آن جمله است همین گردهمایی تحت عنوان "کاربردهای مردم‌شناسی".

ما در جامعه‌ای بزرگ زندگی می‌کنیم که به راه تحول گام نهاده است. ظواهر قدیم و جدید زندگی در کنار هم و در تداخل باهم‌اند. آمیختگی قدیم و جدید در آرا و عقاید مردم شناسان نیز به چشم می‌خورد و از مسائلی است که در این بحث به آن هم اشاره می‌کنم. این گردهمایی فرصت مناسبی فراهم می‌کند تا هر یک از ما دیدگاههای خاص خود را مطرح کنیم و قضاوت را به دیگران واگذاریم.

در حوزه مردم‌شناسی با مسائل بسیاری روبه‌رو هستیم، مانند تعریف مفاهیم و ابهاماتی که پیرامون آنها وجود دارد، چگونگی جذب و نقد نظریه‌های بزرگ، چگونگی استفاده عملی از آنها و نیز مدیریت تحقیقات و پیدا کردن روشهای بهتر و جدیدتر برای تحقیقات و... واضح است که نمی‌توانیم نسبت به آنچه در جامعه ما می‌گذرد بی‌اعتنا باشیم. گسترش پژوهشهای مردم‌شناسی و توصیف و تحلیل دگرگونیهای جامعه در حال گذار، با روشی که آن را از جامعه‌شناسی متمایز کند، ضروری است.

مردم‌شناسی و کاربرد مفاهیم و واژگان

اکنون در ایران، در حوزه مردم‌شناسی، دیدگاهها و بحثهای متنوعی مطرح می‌شود که طیف بسیار وسیعی را در برمی‌گیرد.

در این طیف گروهی آخرین دستاوردهای علوم انسانی و جدیدترین مباحث عنوان شده در مردم‌شناسی را مطرح می‌کنند و گروهی با مباحث و مسائلی سر و کار دارند که نخستین دوره‌های شکل‌گیری علم مردم‌شناسی در اروپا و امریکا را به خاطر می‌آورد. به عبارت دیگر، ما

در حالی که از آخرین مباحث مردم‌شناسی تغذیه می‌کنیم، هنوز با مباحث و مسائل آغازین این علم فاصله نگرفته‌ایم و به گونه‌ای جدی و اساسی با آن درگیر هستیم. در اینجا با توجه به ویژگی تقدم و تأخر تاریخی و سادگی و پیچیدگی مسائل، به چهار مورد از مباحث موجود اشاره می‌کنیم.

یکی از مباحث دهه‌های اول قرن بیستم در غرب، چگونگی انتخاب اصطلاحی مناسب برای نام‌گذاری این رشته بود. در نتیجه اصطلاحهای گوناگونی به کار برده شد.^۱ هر یک از این اصطلاحها متأثر از گرایش‌های فکری و محیط فرهنگی خاصی بود. بنابراین هر اصطلاح مبین نوعی نگرش بود که نوعی تحلیل و روش پرداختن به موضوع را نیز به همراه داشت. از مجموعه اصطلاحهای به کار برده شده می‌توان به نحوه اشاعه یا کاربرد مردم‌شناسی در هر کشور و یا به تاریخ تحول مردم‌شناسی در جهان پی‌برد. به نظر می‌رسد که تفاوت اصطلاحها به گونه بنیانی و اساسی مشخص نشده است. در واقع تنها دو اصطلاح مردم‌شناسی و انسان‌شناسی بیش از دیگر اصطلاحها در کشور ما رایج است. این دو اصطلاح را نیز گاه به گونه‌ای مبهم به کار می‌بریم.^۲ شورایی به نام "شورای وضع لغات و اصطلاحات علوم اجتماعی" (روح الامینی ۱۳۵۴، صص ۲-۴) برای واژه آنترپولوژی^۳ معادل فارسی انسان‌شناسی (مطالعه انسان به طور کلی: جسمانی، فرهنگی و اجتماعی و نیز باستان‌شناسی) و برای واژه اتنولوژی^۴ معادل فارسی مردم‌شناسی (مطالعه آداب و رسوم و نهادهای سنتی، خانواده، دین، اقتصاد) را پیشنهاد کرده است.

ابهام تنها به اختلاف نظر در انتخاب واژه محدود نمی‌شود، بلکه به تعیین حوزه و گستره

1. Anthropology , Social Anthropology , Cultural Anthropology , Social and Cultural Anthropology , Ethnology, Ethnography ,Sociology of Primitive Societies ...

۲. احسان نراقی در کتاب علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن، تهران، نیکان، چاپ سوم، ۱۳۶۳، ص ۱۹۶ از مردم‌شناسی اصالت ساختی (لوی -

استروس) با نام "انسان‌شناسی ساختمانی" نام برده است. همین نویسنده در همین کتاب اصطلاح اتنولوژی را هم معادل نژادشناسی و هم معادل مردم‌شناسی به کار برده است. (صفحات ۹۲ و ۱۹۳).

3 . Anthropology

4 . Ethnology

موضوع مورد مطالعه این علم نیز مربوط می‌شود. در واقع دانشمندان مردم‌شناس هر کدام با دیدگاه خاصی مسائل مختلف مردم‌شناسی را بررسی می‌کنند.

در فرانسه نخست واژه اتنولوژی برای مردم‌شناسی به کار می‌رفت، بعدها در اثر تحول علم مردم‌شناسی و به ویژه تأثیر مردم‌شناسی انگلیسی و آمریکایی در مردم‌شناسی فرانسوی، "انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی"^۱ که بیان‌کننده اهمیت جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی تحقیق و بررسی مردم‌شناسی است، رایج شد. به قول کلودلوی - استروس مردم‌شناس مشهور فرانسوی. انسان‌شناسی اجتماعی و انسان‌شناسی فرهنگی دو روی یک سکه‌اند (لوی - استروس ۱۹۷۴، ص ۴۱۵).

مردم‌شناسان فرانسوی، به ویژه پیروان مکتب اصالت ساخت، تلاش می‌کنند بین انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی نوعی سازش برقرار کنند. کلودلوی - استروس در این باره می‌نویسد: "می‌توان چنین بیان داشت که برنامه مردم‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی اجتماعی یک موضوع را شامل می‌شود. مردم‌شناسی فرهنگی از مطالعات و بررسی تکنیکها و اشیا آغاز نموده و به مطالعه تکنیکهای عالیتر یعنی انواع فعالیتهای اجتماعی و سیاسی که زندگی در جامعه را ممکن و مشروط می‌سازند منتهی می‌گردند. مردم‌شناسی اجتماعی برعکس از مطالعه کلی زندگی اجتماعی آغاز نموده و سپس دامنه تحقیقات را به اشیا که تحت تأثیر زندگی اجتماعی و نمودارهایی از آن می‌باشد گسترش می‌دهد. مردم‌شناسی اجتماعی و مردم‌شناسی فرهنگی مباحث مشابهی را دنبال می‌کنند. تنها تفاوت میان آنها شاید در این باشد که در این جا و یا در آن جا براین و یا برآن مطلب تقدم و یا تأکید بیشتری صورت گرفته باشد" (اسپردلی... ۱۳۷۲، صص ۱۲۰-۱۱۰). در ایران علی‌رغم اختلاف نظرها، اصطلاح مردم‌شناسی تقریباً پذیرفته شده است.

از دیگر مسائل مورد بحث در این طیف موضوع یا حوزه مشخص علم مردم‌شناسی است. مردم‌شناسی در جامعه ما بیشتر - نه منحصرأ - به توصیف آداب و رسوم محدود می‌شود. البته، آداب و رسوم اگر به معنای گسترده در نظر گرفته شود، تمامی جوانب و زوایای زندگی جامعه را در بر می‌گیرد. اما همواره این گونه نیست، چراکه منظور از آداب و رسوم اغلب جلوه‌های خاص

و توجه برانگیز (پُرآب و رنگ) زندگی مردم است. مردم‌شناسی نیز گاه، به پیروی از این تعریف، به کوشش برای جمع‌آوری اطلاعات پیرامون مراسم عروسی، مراسم تولد و عزاداری و دعای باران و غیره محدود می‌شود.

بی‌شک این تلقی از مردم‌شناسی همه پژوهشها را در بر نمی‌گیرد، اما گسترش آن به ویژه در میان افراد غیر متخصص و محققان سایر رشته‌های علوم اجتماعی، بحثهای زیادی را دامن زده است. مردم‌شناسی به عنوان علم توصیف آداب و رسوم - چه به معنی گسترده و چه به معنی محدود - در نخستین دهه‌های قرن بیستم در غرب متداول بود. در این هنگام علم مردم‌شناسی غیر کاربردی بود؛ یعنی تحقیقاتی که استفاده مشخص عملی نداشت و بیشتر متمایل بود به توصیف جنبه‌هایی از زندگی جوامع ابتدایی. چنان که به کنایه آن را علم تزیینی و متناسب برای موزه‌ها و کتابخانه‌ها می‌دانستند.

توجه به جنبه کاربردی علم مردم‌شناسی نیز از جمله مسائلی است که متعاقب دو موضوع دیگر (نام‌گذاری و حوزه تحقیق) مطرح شده و همواره بحث و جدلهایی رابه دنبال داشته است. مسأله مردم‌شناسی کاربردی نیز مربوط به نیمه اول قرن بیستم است که نخستین بار در آمریکا مطرح شد و پی‌آمد آن در سال ۱۹۴۱ اولین انجمن مردم‌شناسی کاربردی در آمریکا تأسیس و سپس اولین نشریه مردم‌شناسی کاربردی منتشر شد (هرسکویتس ۱۹۶۷، ص ۳۲۰). مردم‌شناسی کاربردی با کمی تأخیر در اروپا مطرح و با استقبال بسیار روبه‌رو شد.

ما اکنون با جدیدترین اندیشه‌های مورد بحث در مردم‌شناسی و به طور کلی در حوزه علوم اجتماعی روبه‌رو هستیم. بحثهایی در زمینه مردم‌شناسی شهری^۱، مردم‌شناسی اشیاء^۲، و یا کاربرد مردم‌شناسی در جوامع پیشرفته، پست مدرنیسم و غیره. به هر حال در دو سوی طیف حداقل چهار نوع بحث مطرح است: از مباحث ساده تا مباحث پیچیده، از مباحث دهه‌های اول قرن بیستم تا مباحث آخرین دهه‌های قرن بیستم.

جایگاه علوم تجربی و مشکلات علوم اجتماعی

مسأله دیگری که یکی از حلقه‌های این بحث را تشکیل می‌دهد، وضع علوم اجتماعی و علوم تجربی است. علوم تجربی - علیرغم کاستیها و مشکلات - در جامعه ما پذیرفته شده است و نسبت به علوم اجتماعی جایگاه بهتری دارد. ماکسیم رودنسون^۱ محقق فرانسوی، براین عقیده است که یکی از دلایل عقب ماندگی علوم اجتماعی در جهان سوم، این است که بیش از حد زیر نفوذ ایدئولوژی است.

به هر حال شاید سخن تازدای عنوان نشده باشد، اما همه آنچه عنوان شد همچنان می‌تواند مطرح شود. بنابراین نه تنها از طرح پرسشهای گذشته گریزی نیست، بلکه این پرسشها در آینده نیز، تا هنگامی که پاسخ مناسب خود را نیابند، همچنان تکرار خواهند شد. پس چه باید کرد؟ از کجا آغاز باید کرد؟ از چه مواردی باید و یا می‌توان صرف نظر کرد و به چه مواردی باید و یا می‌توان تأکید کرد؟ چه معیارهایی برای انتخاب وجود دارد، در حالی که انتخاب معیارهای انتخاب، خود یک معضل اساسی است. در رشته مردم‌شناسی، که نسبت به سایر رشته‌های علوم اجتماعی جوانتر است، چه می‌توانیم بکنیم؟

اگر واقع بینانه به قضایا نگاه کنیم در می‌یابیم که گذشته از مباحث نظری، هنوز موفق نشده‌ایم از مردم‌شناسی استفاده مؤثر بکنیم. طرح موضوع مردم‌شناسی کاربردی شاید بتواند به حل پاره‌ای از مشکلات مردم‌شناسی - اعم از نظری و عملی - کمک کند و این رشته را در مسیر مؤثرتر و عملی‌تری قرار دهد. با ایجاد پیوندهای دقیقتر و مؤثرتر میان نظریه‌ها و هدفهای عملی و کاربردی، شاید بتوان از سویی به بهبود نتیجه کارهای عملی و از سوی دیگر به کاهش آمیختگی مباحث نظری یاری رساند.

گفتیم که مردم‌شناسی، و به طور کلی علوم اجتماعی در ایران، در مقایسه با علوم تجربی کمتر توانسته است خود را با آخرین تحولات علمی هماهنگ کند. همچنین گفتیم که یکی از دلایل عقب ماندگی علوم اجتماعی به عقیده ماکسیم رودنسون تأثیر ایدئولوژی در علوم اجتماعی است. اکنون اضافه می‌کنیم که علوم اجتماعی به گونه‌ای است که انتقال آن از یک

فرهنگ و تمدن به یک فرهنگ و تمدن دیگر - به ویژه وقتی که تفاوت فرهنگی زیاد باشد - به سهولت انجام نمی‌گیرد. بحثهای علوم اجتماعی از تجربه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه سربرمی‌آورند.

بیشترین بخشهای این علوم ساخته و پرداخته فرهنگ و تمدن غربی است. مشترک نبودن با تجربه‌های جوامع غربی و نداشتن شناخت عمیق و بنیادی از فرهنگ و تمدن غرب سبب شده است که برخی از نظریه‌ها و یا اجزایی از آنها برای ما نامأنوس باشد. نظریه‌های آنها به صورت کامل به ما منتقل نشده است، به علاوه سرعت تحول اندیشه‌ها در غرب نیز بر مشکل ما افزوده است. پیش از آنکه بتوانیم یکی از نظریه‌ها را از آن خود سازیم، با نظریه‌های جدیدتری روبه‌رو شده‌ایم که دستاورد تحول فکری غرب بوده است. از این رو نظریه‌های قبلی را رها کرده‌ایم، بی‌آنکه بتوانیم نظریه‌های جدید رابه دست آوریم. نه می‌توانیم نسبت به افکار و نظریه‌های جدید بی‌اعتنا باشیم و نه می‌توانیم بی‌درک و نقد نظریه‌های قدیم، نظریه‌های جدید رابه گونه‌ای درست بیاموزیم. به نظر می‌رسد که تنها یکی از رشته‌های علوم اجتماعی، یعنی جمعیت‌شناسی، توانسته است، به طور نسبی در هدفهای کاربردی خود موفق شود. شاید بتوانیم با استفاده از تجربه جمعیت‌شناسی به چگونگی کاربرد مردم‌شناسی بپردازیم.

پرسش این است که، چرا در جمعیت‌شناسی توانسته‌ایم هدفهای عملی را بهتر دنبال کنیم؟ شاید یکی از دلایل پیشرفت کاربرد جمعیت‌شناسی این است که جمعیت‌شناسی در ایران از آغاز صرفاً برای خاطر کاربردی بودن مطرح شد؛ یعنی پیش از مطرح شدن نیاز به کاربرد آن برای هدفهای مشخص عملی احساس شده بود. به بیان ساده، هدفهای عملی و نیاز به کاربرد جمعیت‌شناسی از پیش روشن و مشخص بود. در صورتی که مردم‌شناسی - به مثابه یک علم مستقل - در ایران در آغاز به صورت مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و نظریه‌های مختلف مطرح شد و بعد درباره چگونگی استفاده عملی از آن به پرسش رو آوردیم. عوامل دیگری نیز به این امر کمک می‌کند. بهتر است در این باره بیشتر تأمل کنیم. یعنی به جای غرق شدن در مسائل انتزاعی - جنگ نظریه‌ها - بیشتر به مسائل عملی توجه کنیم. برای مثال، می‌توانیم، به پیروی از جمعیت‌شناسی، ابتدا مجموعه‌ای از هدفهای عملی غیر مشخص را برای مردم‌شناسی در نظر بگیریم و بعد برای دستیابی به هدفها به نظریه‌های مردم‌شناسی رو آوریم.

بسیاری از نظریه‌های متفکران مردم‌شناسی از جمله اساسی‌ترین آثار لوی - استروس هنوز

به فارسی برگردانده نشده است.^۱

کتابهایی از او ترجمه شده که از جهت مباحث تئوریک اهمیت چندانی ندارند. بنابراین با اتکا به چند کتاب نه چندان مهم لوی - استروس نمی توان اندیشه های او را نقد کرد. می پرسم مطالعه نقد ادموندلیچ که از مخالفان سرسخت لوی - استروس است، چه فایده دارد، درحالی که آثار اساسی لوی - استروس به فارسی ترجمه نشده است.

اگر کوشش بیشتری در مشخص کردن هدفهای عملی و برنامه ریزی درست برای به ثمر رساندن تحقیقات به خرج دهیم، امکان دارد بتوانیم به نتایج بسیار با ارزشی برسیم. ممکن است به تدریج رابطه ای زنده و ارگانیک میان تجربه های عملی و نظریه های مردم شناسی برقرار کنیم تا راه برای هضم و جذب و نقد و حتی فراتر از آنها هموار شود.

در حوزه تحقیقات عملی، یعنی آنچه تاکنون انجام شده، با مشکلات کم و بیش مشخصی روبه رو هستیم که طرح آنها مقدمه ای برای ورود به بحث و گفتگو درباره مردم شناسی کاربردی است. می توانیم با بررسی و نقد گذشته آغاز کنیم و بعد با یافتن راهکارهای مناسب تر برای تحقیقات میدانی راه را برای پیشرفت مردم شناسی کاربردی هموار سازیم.

مردم نگاری و مردم شناسی کاربردی

نکته این است که هنوز مفهوم مردم نگاری و مردم شناسی، آن طور که باید، از هم تفکیک نشده است. مردم نگاری تنها به توصیف موضوع مورد بررسی می پردازد، در حالی که مردم شناسی بیشتر و اساساً به تجزیه و تحلیل و مقایسه اطلاعات جمع آوری شده تکیه می کند.

1 . La vie familiale et sociale des indiens nambikwara; Les structures élémentaires de la parenté; Tristes tropiques; Anthropologie structurale; Le totémisme d'aujourd'hui; La pensée sauvage; Mythologiques * Le cru et le cuit; Mythologiques ** Du miel aux cendres ; Mythologiques *** L'origine des manières de table; Mythologiques **** L'homme nu; Anthropologie structurale deux; La voie des masques; Le regard éloigné; Paroles données.

چنین به نظر می‌رسد که برخی از تحقیقاتی که غیر متخصصان در زمینه مردم‌شناسی انجام داده‌اند، در واقع مردم‌نگاری بوده است. حال آنکه برای رویکرد به مردم‌شناسی کاربردی لازم است به تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده بیشتر توجه کنیم. بعلاوه بی‌استفاده‌گسترده و عمومی و همه‌جانبه (مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی) از اطلاعات جمع‌آوری شده نمی‌توان به نتیجه مطلوب رسید. برای این کار نخست بهتر است اطلاعات جمع‌آوری شده را به نحو گسترده‌ای (و با کیفیت مطلوب) در اختیار همگان قرار دهیم. ما تاکنون تحقیقات عملی زیادی - چه به صورت گزارش کتبی و چه به صورت فیلم و یا به صورت جمع‌آوری اشیا برای موزه‌ها - انجام داده‌ایم. بودجه زیادی نیز در این راه صرف شده است. اما متأسفانه بازده کارمان رضایت‌بخش نبوده است. به جرأت می‌توان گفت که پژوهشهای کاربردی مؤثری انجام نداده‌ایم و یا بسیار کم انجام داده‌ایم. برخی از پژوهشها جمع‌آوری مجموعه‌ای از اطلاعات و داده‌های گوناگون بوده است و به همین حد اکتفا شده است. در اینکه این داده‌ها و اطلاعات به چه کار می‌آیند، کمتر کنجکاو شده‌اند و پرسیده‌اند. گویی اطلاعات تنها به قصد انباشته شدن جمع‌آوری شده‌اند. در مواردی دوباره کاری و چند باره کاری هم شده است، بی‌آنکه نتیجه بهتری به دست آمده باشد.

موضوع بسیار مهمی که به آن اشاره کردم و به نظر من گفتگو و اندیشیدن درباره آن برای آینده مردم‌شناسی به طور اعم و مردم‌شناسی کاربردی به طور اخص بسیار مهم و اساسی است، شیوه مناسبی است که می‌بایست برای تحقیقات عملی در نظر گرفته شود. مردم‌شناسی نباید تنها به جلوه‌های سرگرم‌کننده و پُرآب و رنگ و احياناً اعجاب‌انگیز زندگی مردم فلان روستا و یا طایفه و یا منطقه‌ای دور افتاده قناعت کند؛ بلکه باید به واقعیت زندگی نیز توجه کند. اگر به روستایی وارد می‌شویم و یا در میان عشایر مشاهده می‌کنیم که مردم به جای دوغ، کاکاکولا و به جای فلان شیرینی سنتی، پفک می‌خورند، نباید آن را نادیده بگیریم. در چنین شرایطی رفتن و گشتن و از درون فلان انبار روستایی یک مشک دوغ از کار افتاده پیدا کردن و درباره تاریخچه آن قلم فرسایی کردن، کاری بیهوده است. البته باید درباره مشک و دوغ و تاریخچه آن تحقیق کرد و مطلب نوشت، اما وقتی تحقیق مشخصی را دنبال می‌کنیم متوجه می‌شویم که دیگر مشک و دوغی در کار نیست، باید دگرگونی و جایگزینی را مد نظر قرار دهیم.

نتیجه

واقعیت این است که جامعه ما، در حال حاضر، در مسیر تغییر و تحول بنیانی گام نهاده است؛ وضعیتی که برخی از متفکران و محققان - درست یا غلط - از آن به عنوان مرحله گذار از سنت یاد می‌کنند. مشاهدات مردم‌شناسان نیز تغییر و تحول جامعه سنتی و جایگزین شدن عناصر جامعه مدرن را به خوبی در جامعه ما نشان می‌دهد.

مرحله عبور از زندگی سنتی و ورود به زندگی مدرن، همواره مشکل آفرین بوده است. گذر از سنتی به مدرن، نیاز به تطبیق دارد. تطبیق انسانها با محیط فرایندی است که به تدریج شکل می‌گیرد. در هر گام به سوی تغییر، مجموعه‌ای از مسائل و مشکلات کوچک و بزرگ وجود دارد که باید با آنها روبه‌رو شد و از سر راه برداشت. بررسی مسائل و مشکلات تطبیق‌پذیری و یا تطبیق‌ناپذیری، از موضوعاتی است که باید مردم‌شناسان بیش از پیش به آن پردازد.

باتوجه به مسائل و مشکلات مشخص جامعه خود - به ویژه با توجه به مسائل و مشکلات مرحله گذار - می‌توانیم شیوه‌های تازه‌ای برای تحقیقات مردم‌شناسی برگزینیم. به عبارت دیگر مردم‌شناسی را در کنار جامعه‌شناسی به عرصه مسائل و معضلات جامعه شهری وارد کنیم.

طبعاً، منظور این نیست که پژوهشهای انجام شده در عشایر و روستاها را نادیده بگیریم، بلکه منظور این است که حوزه پژوهشهای مردم‌شناسی صرفاً محدود به جوامع روستایی و عشایری نباشد. گسترش بیش از حد شهرها، و انبوه شدن توده‌های جمعیت در اطراف آنها و به طور کلی تحول ساختار جمعیت (برتری جمعیت شهرنشین به روستانشین) چیزی نیست که بتوان نادیده گرفت. برای اینکه مردم‌شناسی متحول شود، باید تحقیقاتی که گواه چنین تحولی باشد، رشد کند.

مآخذ

- اسپردلی، جیمزپ . دیوید ، مک کوردی (۱۳۷۲)، پژوهش فرهنگی، مردم نگاری در جوامع پیچیده، ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه، تهران.
- روح الامینی، محمود (۱۳۵۴)، مردم‌شناسی (جزوه درسی)، دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران، دانشکده مکاتبه‌ای، تهران .
- لوی - استروس، کلود (۱۳۵۸)، نژاد و تاریخ ، ترجمه ابوالحسن نجفی، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، تهران .
- لوی - استروس، کلود (۱۳۶۱)، توتمیسم ، ترجمه مسعود راد، توس، تهران .
- لوی - استروس، کلود (۱۳۷۲)، مردم‌شناسی و هنر (مصاحبه ژرژ شاربونیه بالوی - استروس) ترجمه حسین معصومی همدانی، نشرگفتار، تهران .
- لوی - استروس، کلود (۱۳۷۶)، اسطوره و معنا (مصاحبه)، ترجمه شهرام خسروی، نشرمرکز، تهران.
- لیچ، ادموند (۱۳۵۰)، لوی - استروس ، ترجمه حمید عنایت، خوارزمی، تهران .
- نراقی، احسان (۱۳۶۳)، علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن، نیکان، تهران .
- Podolefsky A., and P.J. Brown (1993) *Applying Anthropology* , Mayfield Publishing Company, 3rd Edition.
- Herskovitis, M.J (1967) *Les bases de l' anthropologie culturelle* , Paris, Payot.
- Levi- Strauss, C. (1974) *Anthropologie structurale* , Paris , Plon .